

جمعه 8 تیر 1397 - 15 شوال 1439 - 29 ژوئن

روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی

**روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی**

هشتم تیر هر سال، به مناسبت بمباران شیمیایی شهر سردشت، روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی نام گذاری شده است. در سال 1366 در زمان جنگ ایران و عراق، نیروهای عراقی پس از اینکه در خوزستان و مناطق مرزی سرپل ذهاب، کردستان و قصر شیرین شکست‌هایی خوردند، به کاربرد گازهای سمی اقدام کردند و با استفاده از گاز اعصاب از نوع "تابون" تلفات زیادی را به نیروهای ایرانی در "جزایر مجنون" تحمیل کردند. بمباران شهر سردشت در 8 تیر 1366 یکی از جنایات جنگی مهم عراق علیه نیروهای ایرانی و غیر نظامیان بود. قتل مبارز مشروطه‌ای؛ حاج میرزا آقاسی تبریزی" در تهران (1287 ش)

حاج میرزا ابراهیم آقا تبریزی در حدود سال 1254 ش (1293 ق) در تبریز به دنیا آمد و تحصیلات خود را در زادگاهش آغاز کرد. وی ظرف مدت کوتاهی، ادبیات عرب، فقه، اصول، کلام و درایه را به خوبی فرا گرفت و پس از آن که از شانزده سالگی تدریس معانی و بیان و منطق را آغاز کرد، در شمار مدرسان تبریز واقع شد. میرزا ابراهیم، ناطقی زبردست و آشنا به مقتضیات جدید بود و بر اثر ایراد سخنرانی‌های با مطالب تازه، در بین مردم تبریز محبوبیت پیدا کرد. پس از صدور فرمان مشروطیت، اصناف تبریز او را به اتفاق آرا به نمایندگی خود برگزیدند. شیخ ابراهیم تبریزی در نخستین روزهای ورود به مجلس شورای ملی، چهره‌ای وطن‌پرستانه؛ خواه، مبارز، بی‌طرفانه؛ طرفدار مشروطه از خود نشان داد و چندین نطق علیه محمدعلی شاه در مجلس ایراد کرد. وی در خارج از مجلس انجمن تندرستی با نام انجمن غیرت تشکیل داد و همه شب با سخنرانی‌های تند علیه مظالم حکومت قیام می‌نمود. او همچنین در مجلس برای تصویب متمم قانون اساسی، نطق‌های تندی ایراد کرد تا سرانجام آن را به تصویب رسانید. میرزا ابراهیم در روز بمباران مجلس توسط قزاقان، در مجلس بود تا این که به همراه علما و وکلا به پارک امین الدوله پناه برد. نیروی قزاق وقتی از محل اختفا مشروطه‌خواهان و وکلای مجلس مطلع شد، پارک امین الدوله را محاصره نمود و سپس برای دستگیری آنان وارد باغ گردیدند. شیخ ابراهیم در این درگیری‌ها هدف چند گلوله قرار گرفت و چند روز بعد کشته شد. وی به هنگام مرگ، سی و سه سال داشت. ردّ شمس برای حضرت امیرالمومنین(ع)

روزی پیامبر در کنار علی(ع) آمد و سر مبارک آن حضرت بر روی پای امام علی(ع) قرار داشت. امام که هنوز نماز عصر خود را به جا نیاورده بود، نتوانست خود را راضی کند که پیامبر را بیدار نماید. بنابراین صبر کرد تا پیامبر، خود از خواب برخاست و امام را محزون دید. چون سبب را دانست، دعا کرد که خورشید بار دیگر باز گردد و امام نماز خود را در وقت خود، ادا کند. این واقعه که در مسجد فضیح روی داد به "ردّ الشمس" یعنی بازگشت خورشید مشهور گشت. وفات "حضرت عبدالعظیم حسنی" در شهر ری (252 ق)

حضرت عبدالعظیم بن عبدالله که با پنج واسطه به امام حسن مجتبی(ع) می‌رسد، از اکابر محدثین و اعظم علما و زهاد و عباد بوده و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهم السّلام به شمار می‌رود. ولادت وی را در حدود سال 173 ق گفته‌اند. حَقَقان دوران عباسی و دشمنی سختی که با علویان روا می‌داشتند، عبدالعظیم را به هجرت واداشت و او راهی ری گردید و ساکن آن دیار شد. سرانجام این سلاله‌ای پاک خاندان حسنی و این زاهد پرهیزکار در نیمه‌ی شوال سال 252 ق در 79 سالگی در ری درگذشت. آن حضرت را شهید و مسموم نیز می‌دانند. مرقد حضرت عبدالعظیم در ری، زیارتگاه مشتاقان اهل بیت است. کشته شدن سلطان "جلال الدین خوارزمشاه" و انقراض سلسله‌ای خوارزمشاهی(628 ق)

بعد از مرگ سلطان محمد، حملات مغولان به ایران ادامه داشت، و بعد از آن بین بازماندگان او بر سر خلافت درگیری پیش آمد و سرانجام سلطان محمد در آخرین روزهای عمرش، یکی از پسرانش به نام جلال الدین را به جانشینی انتخاب کرد ولی پس از مرگ سلطان محمد، بقیه برادران شروع به مخالفت کردند و جلال الدین نیز مجبور بود که با آنها مقابله کند. او بخشی از سپاه پراکنده‌ی شاهی پدرش را جمع‌آوری کرد و به جنگ با مغولان رفت و پیروزی‌هایی نیز به دست آورد. برای مثال می‌توان به پیروزی او برای فتح غزنین و قندهار اشاره کرد. ولی این پیروزی‌ها جهت بازپس‌گیری حکومت قبلی کار ساز نبود زیرا هرج و مرج و نابسامانی حکومت را فرا گرفته بود. مغولان او را تا رودخانه سند تعقیب نمودند و سرانجام وی به رودخانه زد و از آن عبور کرد و بعد به هندوستان رفت و به مدت یکسال در آنجا ماند و زمان مراجعت به ایران در بخشهایی که هنوز به تصرف مغولها در نیامده بود، شروع به گردآوری سپاه کرد ولی به علت خصوصیات بد او مانند خونخواری و سبک سری، کسی به او اعتنا نمی‌کرد و او مجبور بود از هر شهری به شهر دیگری فرار کند. عاقبت به تبریز حمله کرد و اتابکان را به قتل رسانده و سرانجام بعد از شکست‌های متوالی و فرارهای پی در پی در 628 هجری قمری در ((میافارقین)) واقع در کردستان به دست شخصی که برادرش به دست جلال الدین

کشته شده بود، به قتل رسید. و سرانجام جلال الدین پس از یازده سال حکومت درگذشت و با فوت او حکومت خوارزمشاهی نیز به دست مغولان افتاد.